



فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه

سال سوم - شماره ۱۱ - پاییز ۱۳۹۴

نقد و بررسی شبهه‌ی دقت وصف و غرابت تصویر در نهج البلاغه

علی حاجی‌خانی^{۱*}، علی بیدسرخ‌ی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۴/۱۵

چکیده

یکی از شبهه‌اتی که توسط برخی تشکیک‌کنندگان درباره‌ی نهج البلاغه مطرح گردیده است، شبهه‌ی وجود دقت وصف و غرابت در تصویر در خطبه‌های ۱۵۵، ۱۶۵ و ۱۸۵ مربوط به توصیف خفّاش، طاووس، مورچه و ملخ می باشد، به نحوی که در این خصوص بیان داشته‌اند در آثار اولیه‌ی عربی و اسلامی هیچ‌گونه اثری از وجود دقت وصف و غرابت در تصویر وجود نداشته و این‌گونه توصیفات از طریق ترجمه‌ی کتاب‌های یونانی، فارسی و نظیر آن به زبان عربی رایج گردیده است و بر این مبنا مدعی جعل این خطبه‌ها توسط سید رضی (ره) شده‌اند. مقاله‌ی پیش‌رو درصدد است ضمن تحلیل محتوایی خطبه‌های مذکور، با ذکر توصیفات دقیق در آیات قرآن کریم و احادیث رسول خدا (ص) و بیان شواهدی از وجود دقت وصف در ادبیات جاهلی و مقارنت کلامی بین آنها و خطبه‌های مذکور، بی‌اساس بودن شبهه مذکور را اثبات نماید.

کلیدواژه‌ها: نهج البلاغه، دقت وصف، غرابت تصویر، شبهه

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس

*: نویسنده مسئول

Email: ali.hajikhani@modares.ac.ir

۱. مقدمه

از زمان تألیف نهج‌البلاغه در سال ۴۰۰ هجری توسط سیدرضی (ره)، همواره این کتاب گرانقدر که عصاره‌ای از سخنان امیر مؤمنان (ع) در ابعاد مختلف است، مورد توجه و رجوع اندیشمندان علوم گوناگون از بلاغت، فقه، حدیث تاریخ و... قرار گرفته است. عظمت مفاهیم و زیبایی شگفت‌انگیز بلاغت و فصاحت این کتاب، هر اندیشمند منصفی را وادار به خضوع در برابر آن کرده است. از طرفی در طول قرون بعد از تألیف، همواره شبهه‌هایی که غالباً از جهل به مقام امیر مؤمنان (ع) ناشی می‌شود، متوجه این کتاب بوده است. شبهه‌هایی که منشأ پیدایش آن را باید در دویست سال بعد از تألیف کتاب از لابه‌لای نظرات افرادی چون ابن خلکان (متوفی ۶۸۱ هـ)، صلاح الدین الصفدی (متوفی ۷۴۶ هـ)؛ عقیف الدین الیافعی (متوفی ۷۶۸ هـ) و... جستجو نمود. این دانشمندان با تشکیک در استناد این کتاب به امیر مؤمنان (ع)، زمینه را برای شبهات افرادی چون احمد امین و طه حسین، جرجی زیدان و... در عصر حاضر فراهم نمودند. این شبهات شامل، شبهات اسنادی مربوط به عدم ذکر مصادر و اسناد، شبهات مذهبی مربوط به خطبه‌هایی که حاوی نقد خلفا است، شبهات معنوی مربوط به وجود اخبار غیبی و مباحث فلسفی و شبهات لفظی مربوط به موضوعاتی از قبیل سجع و تطویل کلام و دقت وصف می‌باشد؛ که در این میان اندیشمندان و دلسوزان پاسدار حریم علوی چون شیخ هادی کاشف الغطاء، سید عبدالزهراء حسینی، علامه امینی و محمد دشتی با تلاشی وافر در کتاب‌های خود به شبهات مذکور پرداخته، پاسخ‌هایی را ارائه نموده‌اند. از آنجا که اولاً پاسخ‌های مذکور غالباً متوجه شبهات مربوط به اسناد نهج‌البلاغه می‌باشد، و ثانیاً پاسخ‌دهندگان یا اساساً به شبهات مربوط به الفاظ اشاره ای نداشته‌اند و یا با طرح کلی شبهه و پاسخی گذرا و بدون بررسی دقیق و جامع الاطراف، از آن گذشته‌اند و افزون بر موارد فوق به دلیل اینکه کتاب و مقاله‌ای که به‌طور جامع به پاسخ‌گویی شبهات لفظی بالاخص «شبهه دقت وصف و غرابت تصویر» در نهج‌البلاغه با رویکرد محتوایی نگارش نشده است، ضرورت دارد به شبهات لفظی پاسخی علمی و جامع داده شود. بی شک پرداختن به تمام شبهات مربوط به الفاظ نهج‌البلاغه در یک مقاله نمی‌گنجد، لذا در این جستار تلاش شده است ضمن تبیین شبهه دقت وصف و غرابت تصویر به عنوان یکی از مهمترین اقسام شبهات لفظی، با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم و روایات پیامبر (ص) و ادبیات قبل از اسلام و برخی ادله‌ی دیگر، به پاسخ‌گویی این شبهه پیرامون توصیف موجودات در خطبه‌های ۱۵۵، ۱۶۵ و ۱۸۵ پرداخته شود و بی‌اساس بودن آن اثبات گردد.

۲. تبیین مفهوم لغوی و اصطلاحی وصف و تصویر

وصف (مصدر وَصَفَ يَصِفُ) به معنای ذکر خصوصیات چیزی است که به‌صورت ستایش و بیان زیبایی او باشد. (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ۱۶۲/۷؛ ابن‌درید، ۱۹۸۷ م: ۸۹۳/۲؛ راغب، ۱۴۱۲ ق: ۸۷۳/۱) و تصویر؛ مصدر باب تفعلیل به معنای شکل و صورت دادن به چیزی است (قرشی، ۱۳۷۷ ش: ۱۶۲/۴) چنانکه قرآن کریم

می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ﴾؛ آل عمران/ ۶ (اوست کسی که شما را آن گونه که می‌خواهد در رحم‌ها صورت‌گیری می‌کند).

وصف در اصطلاح علوم معانی متعددی دارد، در اصطلاح علم صرف به اسم‌های مشتق از مصدر نظیر اسم فاعل و اسم مفعول، صفات مشبیه و ... گفته می‌شود و در اصطلاح علم نحو یکی از توابع به شمار می‌آید و در اصطلاح علم اخلاق عبارت است از صفات نفسانی انسان و در اصطلاح علم اعتقادات به صفات خدای سبحان اطلاق می‌گردد. (مصطفوی، ۱۴۱۶ ق: ۱۲۳/۱۳) و در اصطلاح اصول فقه مراد آن است که هرگاه کلامی مقرون به وصف باشد آن وصف تأثیری در مفهوم دارد یا نه و به عبارت دیگر وصف مفهوم دارد یا نه (سجادی، ۱۳۷۳: ۴۷۳/۱) اما در مقاله حاضر مراد از وصف مفهوم اصطلاحی آن در علم بلاغت می‌باشد و آن عبارت است از «ذکر الشيء بما فيه من الأحوال والهيئات» (قدامه بن جعفر، ۱۳۰۲ ق: ۲۰/۱)؛ بیان خصوصیات چیزی اعم از حالات و ویژگی‌های ظاهری آن. بر این اساس می‌توان گفت: «وصف، ذکر خصوصیات اشیاء و تصویر؛ نمایاندن و شکل دادن به آن است و هنگامی که این دو با کلمات دقت و غرابت به کار روند منظور به کمال رسانیدن وصف در جزئیات و ارائه تصویری بدیع همراه با ظرایف آن است. قنای ضمن استعمال وصف و تصویر در یک معنا، وصف را یکی از خصوصیات شعر جاهلی برشمرده و در تعریف آن می‌نویسد «وصف عبارت است از به تصویر کشیدن و توصیف پدیده‌های طبیعی به اشکال واضح قابل تقسیم و رنگ‌آمیزی آثار زندگی انسانی به رنگ‌هایی که زیبایی آن را آشکار می‌سازد و آراستن آن‌ها به نشانه‌هایی که تو را به درون و زوایای آن رهنمون می‌سازد.» (قنای، ۱۳۶۸ ق: ۴۲/۱). به عبارتی در وصف ضمن بهره‌گیری از عناصر بلاغی نظیر استعاره، تشبیه، مجاز، کنایات و نظایر آن، تصویری کلی و یا جزئی از خصوصیات اشیاء، انسان‌ها، مکان‌ها به مخاطب ارائه می‌شود و وصل‌کننده به مانند تصویرگری ماهر، مخاطب را به ورای الفاظ رهنمون می‌سازد و تصویری واضح و آشکار از موصوف ارائه می‌دهد که گویی آن را با چشم می‌نگرد.

۳. تبیین شبیهی دقت وصف در نهج البلاغه

این شبیه که توسط برخی از معاصرین ایراد شده عبارت است از این که به کار رفتن توصیفات دقیق و دقت وصف و غرابت تصویر در خطبه‌های ۱۵۵، ۱۶۵ و ۱۸۵ درباره موجوداتی مانند طاووس، ملخ، مورچه و خفاش در کلام عرب سابقه نداشته است و در قرون بعد از صدر اسلام از خلال کتب یونانی و فارس و... وارد کلام عرب شده است. (محمی‌الدین عبدالحمید (شرح نهج البلاغه عبده) بی‌تا: ۴؛ احمد امین، ۱۹۶۹ م: ۱۴۹؛ صبری سید ۱۴۰۶ ق: ۶ و ۴۱) بنابراین از منظر این افراد توصیفات دقیق که همراه با مشاهده حسّی باشد در آثار اولیه اسلامی سابقه نداشته و حتی برخی از این افراد با استدلال به اینکه اساساً طاووس در مدینه وجود نداشته به سید رضی (ره) نسبت جعل داده‌اند؛ که در مقاله حاضر پس از بیان توصیفات امیرمؤمنان (ع) درباره حیوانات یادشده، از جهات گوناگون بی‌اساس بودن این شبهات اثبات می‌گردد.

۴. توصیفات دقیق امام علی (ع) از خفّاش، مورچه، ملخ و طاووس

امیرمؤمنان (ع) در خطبه‌های ۱۵۵، ۱۶۵ و ۱۸۵ در مقام حمد و ستایش و عظمت خدای متعال به بیان مظاهر قدرت خداوند در آفرینش موجودات می‌پردازد که عقول انسان‌ها از آفرینش دقیق این موجودات در شگفت می‌ماند و به عظمت و بزرگی ذات خدای متعال اعتراف می‌کند و پس از آن به توصیفات خلقت خفّاش، مورچه، ملخ و طاووس می‌پردازد که در ذیل توصیفات آن حضرت را ذکر می‌نماییم؛

الف. توصیف خفّاش/خطبه‌ی ۱۵۵

امام (ع) قبل از وصف خفّاش بر اساس شیوه‌ای که در بیان خطبه‌ها دارد خدای متعال را حمد می‌کند آنگاه در توصیف خفّاش می‌فرماید: (از زیبایی‌های صنعت پروردگاری و شگفتی‌های آفرینش او، همان اسرار پیچیده حکیمانه در آفریدن خفّاشان است، روشنی روز که همه چیز را می‌گشاید چشمانشان را می‌بندد و تاریکی شب که هر چیز را به خواب فرو می‌برد، چشمان آنها را باز می‌کند، چگونه چشمان خفّاش کم‌بین است که نتواند از نور آفتاب درخشنده روشنی گیرد؟ نوری که با آن راه‌های زندگی خود را بیابد و در پرتو آشکار خورشید خود را به جاهایی رساند که می‌خواهد روشنی آفتاب خفّاش را از رفتن در تراکم نورهای تابنده‌اش باز می‌دارد و در خلوت‌گاه‌های تاریک پنهان می‌سازد، که از حرکت در نور درخشان ناتوان است پس خفّاش در روز پلک‌ها را بر سیاهی دیده‌ها اندازد و شب را چونان چراغی برمی‌گزیند، که در پرتو تاریکی آن روزی خود را جستجو می‌کند - و سیاهی شب دیده‌های او را نمی‌بندد و به‌خاطر تاریکی زیاد، از حرکت و تلاش باز نمی‌ماند. آن‌گاه که خورشید پرده از رخ بیفکند و سپیده صبحگاهان بدمد و لانه تنگ سوسمارها از روشنی آن روشن گردد، شب پره، پلک‌ها را بر هم نهد و بر آن‌چه در تاریکی شب به‌دست آورده قناعت کند. پاک و منزّه است خدایی که شب را برای خفّاشان چونان روز روشن و مایه به‌دست آوردن روزی قرار داد و روز را چونان شب تاریک مایه آرامش و استراحت آنها انتخاب فرمود) و بال‌هایی از گوشت برای پرواز، آنها آفرید تا به هنگام نیاز به پرواز، از آن استفاده کنند، این بال‌ها، چونان لاله‌های گوشند بی‌پر و رگ‌های اصلی، اما جای رگ‌ها و نشانه‌های آن را به خوبی مشاهده خواهی کرد. برای شب پره‌ها دو بال قرار داد، نه آنقدر نازک که در هم بشکند و نه چندان محکم که سنگینی کند، پرواز می‌کنند در حالی که فرزندان‌شان به آنها چسبیده و به مادر پناه برده‌اند، اگر فرود آیند با مادر فرود می‌آیند و اگر بالا روند با مادر اوج می‌گیرند، از مادرانشان جدا نمی‌شوند تا آن هنگام که اندام جوجه نیرومند و بال‌ها قدرت پرواز کردن پیدا کند و بداند که راه زندگی کردن کدام است؟ و مصالح خویش را بشناسد پس پاک و منزّه است پدیدآورنده هر چیزی که بدون هیچ الگویی باقی‌مانده از دیگری، همه چیز را آفرید (نهج‌البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۷۹ ش: ۲۸۷-۲۸۹).

ب. توصیف طاووس توسط امام (ع)/خطبه‌ی ۱۶۵

و از شگفت‌انگیزترین پرندگان در آفرینش، طاووس است، که آن را در استوارترین شکل موزون بیافرید و رنگ‌های پر و بال‌ش را به نیکوترین رنگ‌ها بیاراست با بال‌های زیبا که پره‌های آن به روی یکدیگر انباشته و دم کشیده‌اش که چون به سوی ماده پیش می‌رود آن را چونان چتری گشوده و بر سر خود سایبان

می‌سازد، گویا بادبان کشتی است که نا خدا آن را بر افراشته است. طاووس به رنگ‌های زیبای خود می‌نازد و خوشحال و خرامان دم زیبایش را به این سو و آن سو می‌چرخاند و سوی ماده می‌تازد، چون خروس می‌پرد و چون حیوان نر مست شهوت با جفت خویش می‌آمیزد این حقیقت را از روی مشاهده می‌گوییم، نه چون کسی که بر اساس نقل ضعیفی سخن بگوید: اگر کسی خیال کند: «باردار شدن طاووس به وسیله قطرات اشکی است که در اطراف چشم نر حلقه زده و طاووس ماده آن را می‌نوشد آنگاه بدون آمیزش با همین اشک‌ها تخمگذاری می‌کند» افسانه بی‌اساس است ولی شگفت‌تر از آن نیست که می‌گویند: «زاغ نر طعمه به منقار ماده می‌گذارد که همین عامل بار دار شدن زاغ است!». گویا نی‌های پر طاووس چونان شانه‌هایی است که از نقره ساخته و گردی‌های شگفت انگیز آفتاب گونه که به پره‌های اوست از زر ناب و پاره‌های زبرجد بافته شده است. اگر رنگ‌های پره‌های طاووس را به رویدنی‌های زمین تشبیه کنی، خواهی گفت: دسته گلی است که از شکوفه‌های رنگارنگ گل‌های بهاری فراهم آمده است و اگر آن را با پارچه‌های پوشیدنی همانندسازی، پس چون پارچه‌های زیبای پر نقش و نگار یا پرده‌های رنگارنگ یمن است و اگر آن را با زیورآلات مقایسه کنی چون نگین‌های رنگارنگی است که در نواری از نقره با جواهرات زینت شده است. طاووس، چون به خود بالنده مغرور راه می‌رود، دم و بال‌های زیبایش را بر انداز می‌کند، پس با توجه به زیبایی جامه و رنگ‌های گوناگون پرو بالش قهقهه سر می‌دهد، اما چون نگاهش به پاهای او می‌افتد، بانگی برآورد که گویا گریان است، فریاد می‌زند گویا که دادخواه است و گواه صادق دردی است که در درون دارد زیرا پاهای طاووس چونان ساق خروس دو رگه (هندی و پارسی) باریک و زشت و در یک سو ساق پایش ناخنکی مخفی رویده است. بر فراز گردن طاووس به جای یال، کاکلی سبز رنگ و پر نقش و نگار رویده و بر آمدگی گردنش چونان آفتابه‌ای نفیس و نگارین است و از گلوگاه تا روی شکمش به زیبایی و سمه یمانی رنگ‌آمیزی شده، یا چون پارچه حریر برآق یا آینه‌ای شفاف که پرده بر روی آن افکنند. در اطراف گردنش گویا چادری سیاه افکنده که چون رنگ آن شاداب و بسیار می‌باشد، پنداری با رنگ سبز تندی در هم آمیخته است که در کنار شکاف گوش جلوه خاصی دارد. کمتر رنگی می‌توان یافت که طاووس از آن در اندامش نداشته باشد، یا با شفافیت و صیقل فراوان و زرق و برق جامه‌اش آن را جلای برتری نداده باشد. طاووس چونان شکوفه‌های پراکنده‌ای است که باران بهار و گرمای آفتاب را در پرورش آن نقش‌چندانی نیست و شگفت‌آور آن که هر چند گاهی از پوشش پره‌های زیبا بیرون می‌آید و تن عربان می‌کند، پره‌های او پیاپی فرو می‌ریزد و از نو می‌رویند، پره‌های طاووس چونان برگ خزان رسیده می‌ریزند و دوباره رشد می‌کنند و به هم می‌پیوندند تا دیگر بار شکل و رنگ زیبای گذشته خود را باز می‌یابد، بی آن که میان پره‌های نو و ریخته شده تفاوتی وجود داشته باشد یا رنگی جابه‌جا بروید، اگر در تماشای یکی از پره‌های طاووس دقت کنی، لحظه‌ای به سرخی گل و لحظه‌ای دیگر به سبزی زبرجد و گاه به زردی زرناب جلوه می‌کند. راستی، هوش‌های ژرف اندیش و عقل‌های پر تلاش چگونه این همه از حقائق موجود در پدیده‌ها را می‌توانند درک کنند؟ و چگونه گفتار توصیف گران، به نظم کشیدن این همه زیبایی را بیان توانند کرد؟ و در درک کمترین اندام طاووس، گمان‌ها از شناخت

درمانده و زبان‌ها از ستودن آن در کام مانده‌اند؟ پس ستایش خداوندی را سزااست که عقل‌ها را از توصیف پدیده‌ای که برابر دیدگان جلوه‌گرند ناتوان ساخت، پدیده محدودی که او را با ترکیب پیکری پر نقش و نگار، با رنگ‌ها و مرزهای مشخص می‌شناسد، باز هم از تعریف فشرده‌اش زبان‌ها عاجز و از وصف واقعی آن در مانده‌اند! (حال چگونه خدا را می‌توانند درک کنند؟) (نهج‌البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۷۹ ش: ۳۱۵).

ج. توصیف مورچه/خطبه ۱۸۵

همچنین امام (ع) پس از ستایش و اعتراف به بزرگی خداوند، در توصیف مورچه می‌فرماید: (به مورچه و کوچکی جثّه آن بنگرید، که چگونه لطافت خلقت او با چشم و اندیشه انسان درک نمی‌شود، نگاه کنید چگونه روی زمین راه می‌رود و برای به‌دست آوردن روزی خود تلاش می‌کند؟ دانه‌ها را به لانه خود منتقل می‌سازد و در جایگاه مخصوص نگه می‌دارد، در فصل گرما برای زمستان تلاش کرده و به هنگام درون رفتن، بیرون آمدن را فراموش نمی‌کند! روزی مورچه تضمین گردیده و غذاهای متناسب با طبعش آفریده شده است. خداوند مَنّان از او غفلت نمی‌کند و پروردگار پاداش‌دهنده محرومش نمی‌سازد، گرچه در دل سنگی سخت و صاف یا در میان صخره‌ای خشک باشد. اگر در مجاری خوراک و قسمت‌های بالا و پایین دستگاه گوارش و آنچه در درون شکم او از غضروف‌های آویخته به دنده و شکم و آنچه در سر اوست از چشم و گوش، اندیشه نمایی، از آفرینش مورچه دچار شگفتی شده و از وصف او به زحمت خواهی افتاد. پس بزرگ است خدایی که مورچه را بر روی دست و پایش بر پاداشت و پیکره وجودش را با استحکام نگاه داشت و در آفرینش آن هیچ قدرتی او را یاری نداد و هیچ آفریننده‌ای کمکش نکرد. اگر اندیشه‌ات را به کار گیری تا به راز آفرینش پی برده باشی) (نهج‌البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۷۹ ش: ۳۵۹).

د. توصیف ملخ توسط امام (ع)/خطبه ۱۸۵

و اگر خواهی در شگفتی ملخ سخن گو، که خدا برای او دو چشم سرخ، دو حدقه چو نان ماه تابان آفرید و به او گوش پنهان و دهانی متناسب اندامش بخشیده است، دارای حواس نیرومند و دو دندان پیشین است که گیاهان را می‌چیند و دو پای داس مانند که اشیاء را بر می‌دارد. کشاورزان برای زراعت از آنها می‌ترسند و قدرت دفع آنها را ندارند گرچه همه متحد شوند. ملخ‌ها نیرومندان وارد کشتزار می‌شوند و آنچه میل دارند می‌خورند، در حالی که تمام اندامشان به اندازه یک انگشت باریک نیست! (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹ ش، ترجمه دشتی: ۳۶۱).

۵. پاسخ‌گویی به شبهه

همان‌گونه که بیان شد مشککین مدعی عدم وجود دقت وصف در آثار اولیه عربی و اسلامی شده‌اند و از این مدخل مدعی جعل این خطب توسط سیدرضی و نسبت آن به امیر مؤمنان (ع) شده‌اند. ادله مختلفی از قبیل وجود توصیفات دقیق در قرآن کریم و فرمایشات پیامبر (ص) و تأثیرپذیری امام (ع) از آن و مملو بودن ادب جاهلی و اشعار فصیحای عرب از توصیفات دقیق و... بر بی‌اساس بودن شبهه مذکور دلالت می‌کند که در ذیل به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۵-۱. توصیه‌ی قرآن کریم به دقت در آفرینش و وجود توصیفات دقیق در آیات و تأثیرپذیری امیر مؤمنان (ع) از قرآن

خدای متعال در آیات متعددی از قرآن کریم انسان‌ها را به دقت در آفرینش و تأمل در آیات خداوند در هستی توصیه می‌کند چنان‌که می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِلَهِ كَيْفَ خَلَقَ ۖ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ۖ وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ۖ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ۖ﴾ غاشیه/۱۷-۲۰؛ (آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده؟ و به آسمان که چگونه برافراشته شده؟ و به کوه‌ها که چگونه برپا داشته شده؟ و به زمین که چگونه گسترده شده است؟) بنابراین دقت در ویژگی‌های آفرینش موجودات با هدف پی بردن به قدرت و عظمت خداوند متعال توصیه‌ای قرآنی است. قرآن کریم علاوه بر توصیه به دقت در آفرینش در موارد متعددی خود، ظرائف خلقت را با تصویرپردازی هنری خویش بیان می‌کند چنان‌که توصیفات دقیق و تصویرپردازی هنری یکی از ویژگی‌های قرآن کریم به‌شمار می‌رود. سید قطب در این باره می‌نویسد: «تصویر ابزار خاص و مناسب در اسلوب بیان قرآنی است. قرآن معانی انتزاعی را به مدد تصاویر محسوس و خیال‌انگیز می‌نمایاند و باز حالات نفسانی و حوادث محسوس و مناظر موردنظر را چون نمونه‌های انسانی و طبایع بشری از طریق تصویر تفهیم می‌کند. صورتی را که قرآن ترسیم می‌کند به زودی زنده و متحرک می‌شود و معانی ذهنی جان می‌گیرد و طبیعت بشری مجسم می‌شود و حوادث و مناظر سرگذشت‌ها همه مشهود و مرئی می‌گردند و حالت و معنا پیدا می‌کنند و اگر «گفتار» با آنها همراه گردد تمام عناصر خیال‌انگیز در آن گرد می‌آید به قسمی که منظره سمعی برای شنونده، به زودی تبدیل به منظره بصری و صحنه‌ای تماشایی می‌گردد. گویی شخصیت‌های جاندار بر روی صحنه‌ی منظور در حال رفت‌وآمد و گفت‌وشنودند. حادثه هر دم از پس حادثه روی می‌دهد. دریافت و کلمه و انفعال و حادثه و هماهنگی، همه دست در دست پرده مطلوب را ارائه می‌دهند. این‌جا خود زندگی است که چهره‌گشایی می‌کند نه حکایت زندگی. ابزاری که به‌وسیله آن معانی ذهنی و حالت‌های نفسانی بیان یا حوادث گذشته و نمونه‌های انسانی مجسم می‌گردد تنها و تنها به‌وسیله همین الفاظ جامد یعنی واژه‌های بی‌جان صورت می‌گیرد؛ نه شخصی است که گزارشگر و نه رنگی است که توصیف‌گر باشد» (سیدقطب، ۱۴۱۵ ق: ۳۶-۳۷).

شکی نیست که امام علی (ع)، شاهد نزول قرآن کریم بوده‌اند. بر او وحی کتابت می‌شد و با این وجود توقع این است که امام (ع) عمیقاً متأثر از توصیه قرآن کریم به دقت در آیات خداوند در هستی و نیز متأثر از شیوه و اسلوب تصویرپردازی و دقت وصف قرآنی باشند. استاد محمود العقاد درباره تأثیر امام علی (ع) از قرآن کریم می‌گوید: همانا امام علی (رضی‌الله‌عنه) شاگرد قرآن کریم بوده است و با توجه به مقدم بودن ایشان در ایمان به اسلام، نگاه حضرت به آفرینش و خالق متعال نگاهی قرآنی است و در به‌وجود آوردن معانی جدید مانند ابداع معانی‌ای است که شاگرد در تقلید از استاد انجام می‌دهد، پس سخن حضرت درباره طاووس و خفاش و زراعت و ابر، درسی قرآنی است که حضرت در ظرف قول کتاب خدای متعال حفظ کرده است از نظر در مخلوقات و توصیف گروه‌هایی از موجودات مانند مورچه و زنبور عسل و پرند و

جنین‌های در ارحام، پس حضرت شاگرد پروردگارش جلّ و علا در سخن گفتن پیرامون خفاش و طاووس و... است. (محمود العقاد، بی‌تا: ۳۳-۳۴).

بنابراین با توجه به اسلوب ویژه‌ی قرآن کریم در توصیف دقیق و تصویرپردازی و نیز توصیه‌ی قرآن به دقت در آفرینش جای تعجب نیست که خطبه‌هایی از امیر مؤمنان (ع) صادر شود که به توصیف موجودات پردازد چنان که در موارد متعددی از قرآن کریم توصیفات دقیق به چشم می‌خورد که در ذیل به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌گردد.

۵-۱-۱. توصیف دقیق مراحل خلقت انسان

خدای متعال سیر خلقت انسان را از یک حالت به حالت را با توصیفی دقیق بیان می‌کند: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا * ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾، مؤمنون/۱۲-۱۴؛ در این آیه خدای سبحان مراحل آفرینش انسان را از خاک، نطفه، علقه، مضغه و... با توصیفی دقیق بیان می‌فرماید.

۵-۱-۲. احوال اصحاب یمین در تفرجگاه فردوسِ اعلی و بهشت برین

قرآن کریم جایگاه اصحاب یمین در بهشت را این‌گونه توصیف می‌فرماید: ﴿وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ * فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ * وَ طَلْحٍ مَنضُودٍ * وَ ظِلٍّ مَمْدُودٍ * وَ مَاءٍ مَسْكُوبٍ * وَ فَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ * لَا مَقْطُوعَةٍ وَ لَا مَمْنُوعَةٍ * وَ فُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ﴾، واقعه/۲۷-۳۴؛ در این آیه شریفه قرآن کریم جایگاه اصحاب یمین را در زیر درختان کنار بی‌خار و درخت‌های موز که میوه‌های آن بر روی هم چیده شده است و سایه این درختان پایدار است که آبی ریزان در آن جریان دارد، توصیف می‌نماید؛ و در آیات متعددی نیز به توصیف جایگاه جهنمیان و انواع عذاب‌های آنان پرداخته شده است.

۵-۱-۳. توصیف گاو بنی اسرائیل

پس از قتل یکی از بنی اسرائیل، موسی (ع) از جانب خدای متعال به آنان امر کرد که برای زنده شدن مرد و معلوم شدن قاتل گاوی را ذبح کنند و قسمتی از آن را بر بدن مقتول بزنند که به اذن خدای متعال مقتول زنده خواهد شد و قاتل را معرفی خواهد کرد که بنی اسرائیل در امر انتخاب گاو ایرادهای متعددی را وارد ساختند و از خدای سبحان هر بار تقاضای نشانه‌های بیشتری می‌نمودند که خدای متعال در آیات ۶۸ تا ۷۱ سوره بقره، به توصیف ویژگی‌های گاو قربانی می‌پردازد؛ جنس گاو (ماده)، سن (نه پیر نه خردسال)؛ رنگ (زردی که بینندگان را شاد کند)؛ خلقت گاو (نه رام تا زمین را شخم زند و نه کشتزار را آبیاری کند) و بی‌نقص است و لکه‌ای در آن نیست.

بنابراین قرآن کریم نه تنها انسان‌ها را به دقت در موجودات آفرینش فراخوانده است، بلکه در موارد زیادی نیز به بیان توصیفات دقیق می‌پردازد که آیات دال بر وقوع قیامت و معاد و حشر و نشر بهشتیان و

دوزخیان و جایگاه و جزای آنان همگی دارای توصیفاتی دقیق همراه با تصویرپردازی ویژه‌ای است که نگاه‌ها و وجدان‌ها را مسخر خود می‌سازد؛ بنابراین وجود توصیفات دقیق در قرآن به‌تنهایی ادعای عدم وجود دقت وصف در آثار اولیه‌ی اسلامی را منتفی می‌سازد. از طرفی توصیفات دقیق در فرمایشات پیامبر (ص) نیز آمده است که در ادامه مقاله بدان می‌پردازیم.

۵-۲. توصیفات دقیق در فرمایشات پیامبر (ص)

در روایات منقول از پیامبر (ص) از سوی شیعه و سنی موارد متعددی را می‌توان یافت که حضرت به توصیفات دقیقی اشاره فرموده‌اند که در ذیل به برخی از این‌گونه روایات اشاره می‌گردد؛ روایات دربردارنده حادثه معراج مملو از توصیفات دقیق می‌باشد، مانند توصیف پیامبر درباره براق (موجودی که حضرت به وسیله سوار شدن بر او به معراج رفتند)؛ در کتاب احتجاج طبرسی از ابن عباس نقل شده که پیامبر به علمایی از یهود فرمودند: «فَقَدْ سَخَّرَ اللَّهُ لِي الْبَرَقَ وَ هُوَ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا بِحَذَائِرِهَا - وَ هِيَ دَابَّةٌ مِنْ دَوَابِّ الْجَنَّةِ وَ جُفْهُهَا مِثْلُ وَجْهِ آدَمِيٍّ وَ حَوَافِرُهَا مِثْلُ حَوَافِرِ الْخَيْلِ وَ ذَنَبُهَا مِثْلُ ذَنَبِ الْبَقَرِ وَ فَوْقَ الْحِمَارِ وَ دُونَ الْبُغْلِ وَ سَرَجُهُ مِنْ يَاقُوتَةٍ حُمْرَاءَ وَ رِكَابُهُ مِنْ دُرَّةٍ بَيْضَاءَ مَرْمُومَةٍ بِأَلْفِ زِمَامٍ مِنْ ذَهَبٍ عَلَيْهِ جَنَاحَانِ مُكَلَّلَانِ بِالْذَّرِّ وَ الْيَاقُوتِ وَ الزَّبَرْجَدِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ...» (طبرسی، ۱۴۰۳ ق: ۴۹/۱)؛ «رسول خدا صلی‌الله علیه و آله فرمود: خداوند براق را مسخر من ساخت و آن عطا از همه دنیا بهتر و بالاتر است و آن مرکبی از مراکب بهشت است که چهره‌اش همچون صورت آدمی و سم‌هایش چون سم اسبان و دمش مانند دم گاو، از حمار بزرگتر و از قاطر کوچک‌تر است. زین آن از یاقوت سرخ و رکابش از درّ سفید و آن را هفتاد هزار لگام از طلا است، دو بال دارد که با درّ و یاقوت و زبرجد تزیین شده است و بر پیشانی‌اش این جمله نوشته شده: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» (جعفری، ترجمه احتجاج، ۱۳۸۱ ش، ۱۰۳/۱). بنابراین با عنایت به اینکه در بیانات پیامبر (ص) نیز توصیفات دقیق مشاهده می‌شود، استفاده از توصیفات مشابه از امام علی (ع) که علم و ادب و فصاحت را در محضر فرستاده‌ی پروردگار جهانیان آموخته و متأثر از سبک و توصیه‌ی قرآن کریم بوده، دور از انتظار نمی‌باشد.

۵-۳. ملازمت ادب جاهلی با دقت در وصف

دقت در توصیف و به کمال رسانیدن آن با ادبیات دوره جاهلی ملازمت دارد، عرب جاهلی همواره محیط زندگی خود را وصف می‌نموده است. چنان‌که الجندی توصیف طبیعت و محل زندگی را یکی از ویژگی‌های شعر جاهلی شمرده و می‌نویسد: «شاعر جاهلی به خصوصیات محیطی که در آن زندگی می‌کرد احاطه داشت و بر این اساس طبیعت زنده و صامت و ساکن و متحرک را وصف می‌کرد و بیابان و آن‌چه از جمادات و حیوانات در آن بود و آن‌چه بدان می‌رسد از باده‌ها و ابرها و باران‌ها و آب و هوای مختلف آن و غیر آن به‌صورتی که توصیف آن ممکن بود وصف می‌کرد. شاعر جاهلی طبیعت (زندگی)

عربی را به‌طوری که ظواهر آن را در آن زمان نشان دهد، به تصویر می‌کشید برای مثال وصف بیابان و چیزهایی که در آن بود» (الجدی، ۱۴۱۲ ق: ۲۸۶).

اگر به شعر جاهلی و نثر آن نظری گذرا بیفکنیم به این حقیقت می‌رسیم که یکی از ویژگی‌های بارز ادبیات جاهلی، دقت توصیف و تخیل می‌باشد و این مطالب را همه محققان ادبیات جاهلی تأیید می‌نمایند. شوقی ضیف ویژگی‌های شعر جاهلی را این‌گونه توصیف می‌کند: «یک شاعر سیراب می‌کند تصوراتش را از عالم حسی‌ای که در اطرافش است و چیزی را با دقت توصیف می‌کند و سخنش را با دقت نظر در اجزایش تفکیک می‌کند و سخنش را شدیداً تفصیل می‌دهد، گویا اینکه می‌خواهد آن را با تمام دقت‌ها و ظرایفش به قصاید انتقال دهد. گویا تراشکاری است و قصیده‌ای نمی‌سراید جز آنکه آن را به‌طور دقیق وصف می‌کند و جزء جزئش را با تفصیلش و دقائقش توصیف می‌کند و بهترین مثال برای آن، شعر طرفه بن عبد است که شترش را در یکی از معلقاتش توصیف می‌کند. به نحوی که تمامی اعضا و همه ظرایف شتر را توصیف می‌کند و چیزی از آن باقی نمی‌گذارد مگر آن که آن را توصیف یا بیان می‌کند» (شوقی ضیف، بی‌تا: ۲۲۱) همچنین علاوه‌بر کاربرد توصیفات دقیق در اشعار جاهلی بین این اشعار و دقت وصف در آن‌ها مقارنت کلامی وجود دارد که پس از بیان نمونه‌هایی از اشعار جاهلی به توضیح آن می‌پردازیم.

۵-۳-۱. نمونه‌هایی از اشعار جاهلی در دقت وصف

الف. شعر طرفه بن عبد در توصیف شتر

و با رجوع به اشعار طرفه بن عبد، دقت وصف را هنگام توصیف شتر مشاهده می‌کنیم، آن‌گاه که می‌سراید:

وَإِنِّي لَأُمُضِيَّ إِلَيْهِمْ عِنْدَ احْتِضَارِهِ بَعُوجَاءَ مِرْقَالٍ تَرُوحُ وَتَغْتَدِي

همانا من اندوهم را هنگام رسیدن آن، با شتر لاغر با نشاط که سریع حرکت و سیر می‌کند، به پایان می‌رسانم

لَهَا فِخْذَانِ اكْمَلِ النَّحْضِ فِيهِمَا كَأَنَّهُمَا بَابَا مُنِيفٍ مَمَرٌ

برای آن دو ران است که گوشت در اطراف آن کامل شده گویا آن دو در (قصر) بلند مفروش شده‌اند.

وَ طَيَّ مُحَالٌ كَأَحْنَى خُلُوفِهِ وَ أَجْرَنَهُ لُزَّتْ بِدَأَى مُنَضِّدٍ

و استخوان‌های کمرش بر روی هم به‌ترتیب و نظم قرا گرفته مانند قوس (کمان) استخوان دنده‌اش و وسط گردنش به یکی از استخوان‌های آن چسبیده است. (بستانی، ۱۴۱۹ ق: ۵۸/۱؛ ترجمه ترجانی‌زاده، ۱۳۸۸ ش: ۶۰-۶۹).

ب. شعر امروالقیس در وصف اسب

امروالقیس از مشهورترین شعرای دوره جاهلی اشعار بسیاری در وصف، شب، رعد و برق، ابر و اشیاء طبیعت دارد که برای نمونه، سروده‌ی او درباره اسب ارائه می‌گردد:

مَكْرٌ، مَفَرٌّ، مُقْبِلٌ، مُدْبِرٌ، مَعَاً كَجُلْمُودٍ صَخْرٍ حَطَّهَ السَّيْلُ مِنْ عَلٍ

این اسب در آن واحد حمله و گریز دارد، روی می‌آورد و پشت می‌کند، مانند سنگی بزرگ و سخت که سیل آن را از جای بلند پرتاب کند، با سرعت و شتاب حرکت می‌کند.

كُمَيْتٌ، يُزَلُّ اللَّيْدَ عَنْ حَالِ مَتْنِهِ كَمَا زَلَّتَا لَصَفْوَاءَ بِالْمَتَنَزَّلِ

اسبی است کمیت (اسبی که رنگش بین سیاهی و سرخی باشد) که به واسطه‌ی فربه‌ی و صافی پشتش نمد زین بر آن بند نمی‌شود و می‌لغزد مانند سنگی صاف و سخت که قطرات باران را از خود براند.

عَلَى الذَّبَلِ، جِيَّاشٍ، كَأَنَّ اهْتَزَّازَ مَهْ إِذَا جَاشَ فِيهِ حَمِيْهُ، غَلَى مِرْجَلِ

با لاغری شکم به هنگام دویدن آن قدر با نشاط و نیرو است که شکستن شیهه‌اش در گلویش در وقت هیجان و شدت خشم مانند صدای جوشیدن دیگ است. (بستانی، ۳۴/۱؛ ترجمانی‌زاده، ۴۱-۴۳).

۴-۵. مقارنت کلامی بین توصیفات امیرمؤمنان (ع) و ادب عربی

یکی از شیوه‌هایی که می‌توان به‌وسیله آن دو متنی را که دارای زبان واحد هستند باهم مقایسه نمود، اسلوب مقارنت کلامی است. در این شیوه که طرفدارانش افرادی چون ادوارد وشرلر، لیو سبیتزر و کارل فوسلر هستند دو متن مختلف که دارای موضوع و غرض واحدند، چه این که از یک مؤلف صادر شده باشد یا چند مؤلف و بالعکس، مورد مقایسه قرار می‌گیرد و حد مقارنت بین آن‌ها فهمیده می‌شود (نحوی عدنان، ۱۴۱۳ ق: ۱۷۶) که از سه منظر: متن (نص)، (مخاطب) یا نگارنده و مخاطب می‌توان آن‌ها را با هم مقایسه نمود. بر این اساس مثلاً بین شیوه طرفه بن عبد در توصیف شتر و شیوه امام علی (ع) در توصیف خفاش و طاووس و مورچه، مقارنتی وجود دارد و اشتراک این دو کلام را در ویژگی دقت وصف می‌یابیم البته غرض از این مقایسه صرفاً بیان اسلوب به‌کاررفته در دقت وصف و سابقه آن در اشعار عرب است ولی پیداست که هدف حضرت از توصیف موجودات حمد خدای متعال و توجه دادن مردم به عظمت قدرت پروردگار است. چنان که قبل از توصیف خفاش به بزرگی خدای متعال اعتراف می‌کنند و می‌فرمایند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي انْحَسَرَتْ الْأَوْصَافُ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهِ وَ رَدَعَتْ عَظَمَتُهُ الْعُقُولَ فَلَمْ تَجِدْ مَسَاغًا إِلَى بُلُوغِ غَايَةِ مَلَكُوتِهِ هُوَ اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ أَحَقُّ وَأَبْيَنُ مِمَّا تَرَى الْعُيُونُ لَمْ تَبْلُغْهُ الْعُقُولُ بِتَحْدِيدٍ فَيَكُونُ مُشَبَّهًا وَلَمْ تَقَعْ عَلَيْهِ الْأَوْهَامُ بِتَقْدِيرٍ فَيَكُونُ مُمَثَّلًا خَلَقَ الْخَلْقَ عَلَى غَيْرِ تَمَثِيلٍ وَلَا مَشُورَةٍ مُشِيرٍ وَلَا مَعُونَةٍ مُعِينٍ»، (خطبه‌ی ۱۵۵) و همچنین قبل از توصیف مورچه خدای متعال را اینگونه حمد می‌کنند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا تُدْرِكُهُ الشَّوَاهِدُ وَلَا تَحْوِيهِ الْمَشَاهِدُ وَلَا تَرَاهُ النُّوَاطِرُ وَلَا تَحْجُبُهُ السَّوَاتِرُ الدَّالُّ عَلَى قِدَمِهِ بِحُدُوثِ خَلْقِهِ وَ بِحُدُوثِ خَلْقِهِ عَلَى وُجُودِهِ...» (خطبه‌ی ۱۸۵) بنابراین هدف امام (ع) از توصیف این حیوانات رشد انسان و هدایت او به‌سوی شناخت خدای متعال و یگانگی او و استواری و یقین در آن می‌باشد و گر نه بیان این‌گ

ونه اوصاف دقیق و ظرایف زیبا به‌تنهایی هدف اساسی شمرده نمی‌شود.

۵-۵. عدم نیاز به دقت علمی در به‌کارگیری خطبه‌هایی که به بیان اوصاف حیوانات می‌پردازد.

با تأمل در شیوه امام (ع) در توصیف خفاش و طاووس و مورچه، هر پژوهشگر ژرف‌اندیشی به این حقیقت می‌رسد که این توصیفات، نیاز به دقت علمی و تشریح پزشکی - که به زعم شبهه‌کنندگان مربوط به تحقیقات قرن‌ها پس از دوران امام (ع) است - ندارد. برای مثال در توصیف خفاش نه سطر می‌بینیم که معانی آن بر یک محور واحد دور می‌زند و خلاصه آن این است که خفاش در روز پلک‌ها را بر سیاهی دیده‌ها اندازد و شب را چونان چراغی بر می‌گزیند، که در پرتو تاریکی آن روزی خود را جستجو می‌کند و اظهار شگفتی می‌نماید از اینکه خفاش با کم‌بینی چشمانش بتواند از نور آفتاب درخشانده روشنی گیرد، نوری که با آن راه‌های زندگی خود را بیابد.

سپس حضرت اشاره می‌فرماید که خدای متعال برای آن بال‌هایی نازک از جنس گوشت قرار داد، بدون پر و رگ‌های اصلی که به‌وسیله آن پرواز می‌کند، در حالی فرزندش به او چسبیده و به مادر پناه برده‌اند و از او جدا نمی‌شود تا آن‌گاه که اندام جوجه نیرومند گردد. با این وجود آیا در این عبارات دید علمی (آکادمیک) و تشریح پزشکی یافت می‌شود بر مبنای آنچه را که تصوّر دقیق در آن می‌طلبید؟ و آیا در این عبارات ظرایفی از معانی و افکاری که جز عقل‌های دوران‌دیش به بلندای آن نمی‌رسد، یافت نمی‌شود؟! و امام شبیه این عبارات را درباره مورچه بیان داشته‌اند، آن‌جا که می‌فرماید:

مورچه دانه را به لانه خود منتقل می‌کند و آن را در فصل تابستان برای فصل سرما و زمستان جمع‌آوری می‌کند و خدای مَنان از او غفلت نمی‌کند گرچه در دل سنگی سخت و در میان صخره‌ای خشک باشد، اگر در مجاری خوراک و قسمت‌های بالا و پایین دستگاه گوارش و آن‌چه در درون شکم او از غضروف‌های آویخته به دنده و شکم و آن‌چه در سر اوست از چشم و گوش، اندیشه‌نمایی، از آفرینش مورچه دچار شگفتی شده و از وصف او به زحمت خواهی افتاد.

زکی صفوت پاشا با اینکه یکی از شبهه‌کنندگان در نهج‌البلاغه است اما درباره این شبهه (دقت وصف) انصاف ورزیده و آن را رد نموده است و می‌گوید: «گمان می‌رود بعد از دیدن جوانب درباره این توصیفات حکم می‌شود که در آنها ردپایی از دقت (علمی) وجود ندارد و این عبارت در واقع بیاناتی است که جنبه پند و تذکر دارد و هیچ‌گونه توصیف علمی در آن وجود ندارد و گویا به‌وسیله این توصیفات دقت به آن‌چه در آن‌ها است مورد توجه قرار گرفته است» چنان‌که آمده است: «آن‌چه در درون شکم او از غضروف‌های آویخته به دنده و شکم» و ما می‌گوییم که امام (ع) بدین دلیل این عبارات را بیان کرده و در این ورطه گام نهاده که به مخاطب بیان کند هنگامی که تو این‌گونه مورچه را با غیر از این حیوان که دستگاه‌های تشکیل‌دهنده در جسمش به‌وضوح بیان شده، مقایسه کنی و بین آنها تشخیص و تمیز دهی، حتماً از این‌که چگونه این دستگاه‌ها در این جسم ظریف و لاغر قرار داده شده و حاوی آن است؛ شگفت رده خواهی شد و (انسان) از این توصیفات به بزرگی آفریدگار مورچه و لطیف بودن او (احاطه علمی بر دقائق امور و ظرایف) و قدرت و توانای او می‌رسد (زکی صفوت، ۱۹۳۲ م: ۱۵۰-۱۵۱).

همچنین بیومی در بیان دقت وصف حضرت در مشاهده حسّی می نویسد: «خواننده خطبه‌های بیانگر توصیف، درمی‌یابد که معانی ذکرشده در این توصیفات از جمله موارد دقت علمی نیست که نیازمند شناختن آن به وسیله تحقیقات (علمی) قرون بعدی باشد و این توصیفات چیزی نیست جز برگرفته از الهام فطری سالم از صاحبان عقول برتر مانند امثال علی (ع) و کمتر از امام (ع). بلکه در توصیف خفاش حضرت بیان می‌کند که خفاش پرنده‌ای است که مانند دیگر پرندگان نیست و آن‌گاه حضرت از این توصیف، به توصیف دم طاووس که در اختلاط رنگ‌ها بی‌نظیر است، عبور می‌کند و یا از این توصیف، به توصیف مورچه و کوچکی‌اش می‌پردازد و عقول را به بزرگی و عظمت آن وامی‌دارد و همه این توصیفات در سیاق ساختار معروفی قرار می‌گیرد که علی (ع) در قالب تفکر در آفرینش خالق متعال و تدبر در ملکوتش بیان نموده‌اند». (بیومی، ۱۹۵۲ م: ۴۰۳).

۵-۶. به کار رفتن توصیفات دقیق در سایر خطبه‌های نهج البلاغه و جهل مشککین نسبت به مقام امیرمؤمنان (ع)

امیرمؤمنان (ع) در خطبه‌های ۱۵۵، ۱۶۵ و ۱۸۵ صرفاً با مشاهده حسّی و دقت در آفرینش حیوانات آنان را وصف نموده‌اند، چنانکه حضرت درباره توصیف طاووس می‌فرماید: «أَحْيَلُكَ مِنْ ذَلِكَ عَلَى مُعَايَنَةِ لَا كَمَنْ يُحِيلُ عَلَى ضَعِيفٍ إِسْنَادُهُ»؛ (این حقیقت را از روی مشاهده می‌گوییم، نه چون کسی که بر اساس نقل ضعیفی سخن بگوید) و در امکان مشاهده رگ‌های بال‌های خفاش به وسیله چشم می‌فرماید: «أَنَّكَ تَرَى مَوَاضِعَ الْغُرُوقِ بَيِّنَةً أَعْلَاماً لَهَا جَنَاحَانِ»؛ (همانا تو جای رگ‌ها و نشانه‌های آن را به‌خوبی مشاهده خواهی کرد) درحالی‌که والاتر از این توصیفات حسّی که برای توجه دادن مردم به دقت در آفرینش صورت پذیرفته، به خلقت آسمان‌ها و زمین از بدو پیدایش، توصیف فرشتگان و اقسام آنها و نحوه آفرینش آدم (ع) (خطبه ۱) و نیز به علم خود به طرق آسمان‌ها (خطبه ۱۸۹) و... اشاره فرموده‌اند که حاکی از علمی والاتر از مشاهدات حسّی است و بیانگر مقام علمی و فضل آن حضرت می‌باشد، چنان‌که پیامبر (ص) آن حضرت را باب علم خود معرفی نموده و می‌فرماید: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَى بَابِهَا فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ» (حاکم‌نیشابوری، ۱۴۱۱ ق: ۱۳۸/۳؛ طبرانی، ۱۴۱۵ ق: ۶۵/۱۱) و در لحظه رحلتش هزار باب علم را برای آن حضرت گشودند که از هر کدام هزار باب دیگر باز می‌شد، بنابراین با این مقام علمی و فضل، توصیفات ناشی از مشاهده حسّی و دقت در آن است، امری دور از انتظار نیست و بدیهی است علت تشکیک در این خطب ناشی از عدم معرفت به جایگاه والای آن حضرت می‌باشد.

۵-۷. پاسخ به عدم ذکر مصادر در خطبه‌های وصفی

همان‌گونه که بیان شد مشککین معاصر از اهل سنت ضمن تشکیک در خطبه‌های نهج البلاغه به دلیل عدم ذکر سند در آنها، نسبت جعل به سید رضی (ره) داده‌اند (صبری سید، ۱۴۰۶ ق: ۲۲؛ محمد ابوالفضل

ابراهیم، ۱۳۸۶ ق: ۸) از آنجا که خطبه‌های ۱۵۵، ۱۶۵ و ۱۸۵ نیز بدون سند هستند برای اتقان و تکمیل بحث، باید گفت به دلایل ذیل عدم ذکر اسانید ضروری بر توثیق خطبه‌ها وارد نمی‌سازد.

۵-۷-۱. عادت ادب پژوهان و بلاغیان قدیم عدم ذکر اسانید و مصادر بوده است چنان که کتاب‌های «مئة کلمة لأئمة المؤمنین علی بن ابی طالب (ع)» نوشته جاحظ، «مروج الذهب ومعادن الجواهر» مسعودی، «عقد الفرید» ابن عبدربه، «اخبار الطوال» دینوری و «تحف العقول» ابن شعبه حرّانی همگی بدون اسناد و به صورت مرسل هستند و در این موارد برای توثیق متن چنان که بین دانشمندان مسلمان معروف است به اسلوب و هدف مؤلف مراجعه می‌گردد و حتی در کتبی که برای اهداف اخلاقی نگاشته شده بود مؤلفین سند را ذکر نمی‌کردند و صرفاً در کتب فقهی و یا در مواردی که درباره روایت نقل شده شکی وجود داشت به ذکر سند می‌پرداختند چنان که در هفده مورد در نهج البلاغه سند ذکر شده است. علامه شیخ‌هادی کاشف‌الغطاء درباره دلیل عدم ذکر مصادر در نهج البلاغه می‌نویسد: «عادت قدما از مؤلفین چنین بوده که اگر به صدور نقلی از شخصی که به آن نسبت می‌دهند، اطمینان پیدا می‌کردند، واسطه‌ها را حذف می‌کردند و سید رضی آن‌چه را که به صدور آن از امیر مؤمنان (ع) وثوق پیدا کرده، بدون ذکر سند آورده است» (کاشف الغطاء، بی‌تا: ۲۳۵).

۵-۷-۲. وجه بلاغی بودن نهج البلاغه دلیلی بر عدم نیاز به اسناد است زیرا همان گونه که سید رضی (ره) نام نهج البلاغه را برای آن برگزیده، غالباً جنبه‌های بلاغی مورد نظر بوده و مانند کتاب‌های تاریخی و فقهی نیازمند اسناد نیست. علامه شهید مرتضی مطهری (ره) در این باره می‌نویسد: «در یک مجموعه تاریخی و یا حدیثی، در درجه اول باید سند و مدرک مشخص باشد و گر نه اعتبار ندارد، ولی ارزش یک اثر ادبی در لطف و زیبایی و حلاوت و شیوایی آن است. در عین حال نمی‌توان گفت که سید رضی از ارزش تاریخی و سایر ارزش‌های این اثر شریف غافل و تنها متوجه ارزش ادبی آن بوده است (مطهری، بی‌تا: ۳۵۷/۱۶) عبدالزهرّا حسینی نیز در این باره می‌نویسد: «سید رضی (ره) نهج البلاغه را برای اینکه یکی از مصادر فقهی و یا یکی از مدارک در احکام شمرده شود جمع نکرده است، بلکه هدف بزرگ او جمع‌آوری آن دسته از سخنان امیر مؤمنان (ع) برای مردم بود که متضمن شگفتی‌های بلاغت و غرائب فصاحت و گوهرهای ادب عربی و کلمات نافذ حضرت درباره امور دینی و دنیوی باشد حتی اگر اینکه این کلمات در یک سخن و یا نوشته مجتمع نیامده باشد بنابراین سید رضی (ره) جز در موارد معدودی اسانید را ذکر نکرد و به تناسق و توالی سخن اعتنا ننمود چه این که گاهی از یک خطبه‌ی طولانی که دارای اهداف زیادی است چندین عبارات کمتر از کل خطبه را گزینش می‌نمود تا این که در موارد متعددی از کتاب نهج البلاغه عبارات و فصول غیر پیوسته و سخنان نیکوی غیر پیوسته آمده است زیرا آن عبارات دارای نکته برجسته و روشنی بوده است و چنان که سید رضی در مقدمه بیان داشته هدف توالی و تناسق عبارات نبوده است» (حسینی، ۱۳۶۷: ۴۵/۱).

۵-۷-۳. اعتبار و جایگاه ویژه سید رضی (ره) دلیلی بر توثیق نهج البلاغه است؛ یکی از عواملی که هر محقق و صاحب‌نظری پی به استحکام یک اثر می‌برد، جایگاه ویژه مؤلف آن است که از این منظر

سیدرضی دارای جایگاه ویژه‌ای در نزد محققان و دانشمندان هم‌عصر و پس از خود می‌باشد، چنان‌که ثعالبی از مفسران اهل سنت و هم عصر سیدرضی درباره او می‌نویسد: «و در این زمان او شگفت‌انگیزترین انسان و شریف‌ترین سادات عراق است گذشته از حسب و نسب شریف او، به ادب روشن و فضل باهر و دارای بهره‌ای کامل از نیکویی‌ها است» (ثعالبی، ۱۴۰۳ ق: ۱۳۶/۳) استاد زکی مبارک درباره سید رضی می‌نویسد: «اشعار او ما را آگاه می‌سازد که او دارای طهارت قلب و پاکی روح و نفس او به طراوت و بهجت روح شناخته می‌گردد (مبارک، ۱۳۶۷ ق: ۴/۲).

۴-۷-۵. نهج البلاغه به خودی خود، دلیل و حجتی قاطع بر توثیق و صدور آن از امام (ع) می‌باشد و الفاظ و معانی بلند به کار رفته در آن در زمان سید رضی و بعد از آن از سوی هیچ‌کدام از خطباء و نگارندگان صادر نشده است، چنانکه ابن ابی الحدید در بیان مقایسه بین کلمات حضرت و ابن نباته می‌نویسد: «هر سطری از نهج البلاغه از نظر بلاغت برابر با هزار سطر از سخن ابن نباته است و امام (ع) خطیب فاضلی هستند که همه مردم بر بلاغت بی‌نظیر آن حضرت متفق بوده‌اند (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۳۷ ش: ۲۱۳/۷). همچنین استاد محمود شکری درباره نهج البلاغه می‌گوید: «این کتاب (نهج البلاغه) که از خطب علی بن ابی طالب سلام الله علیه، به ودیعت نهاده شده، پرتویی از نور کلام الهی و خورشیدی است که فصاحت منطق نبوی را روشن می‌سازد» (حسینی، ۱۳۶۷ ش: ۸۹/۱).

بنابراین شبهه عدم‌استاد بی‌اساس است ولی با این حال در ذیل به منابعی از اهل سنت که خطبه‌های ۱۵۵، ۱۶۵ و ۱۸۵ به صورت کامل و یا بخش‌های از خطبه، در آنها آمده است، اشاره می‌نماییم: (وصف خفاش) در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی (متوفی ۶۵۶ هـ)، (وصف طاووس) در کتاب ربیع الابرار زمخشری ج ۱ (متوفی ۵۳۸ هـ)؛ مجمع الامثال میدانی (متوفی ۵۱۸ هـ)، در بخش‌های مختلف کتاب النهایه ابن اثیر و وصف ملخ و مورچه در کتاب ربیع الابرار زمخشری (۴۲۱/۵ و ۴۴۴) بدون عبارات آغاز خطبه آمده است. از میان کتب شیعی خطبه‌های مذکور در منابعی چون اصول کافی تألیف شیخ کلینی (متوفی ۳۲۸)، عیون اخبار الرضا، توحید تألیف شیخ صدوق (متوفی ۳۸۰)، احتجاج طبرسی (متوفی ۵۸۸) و... آمده است (برای مطالعه بیشتر از مصادر شیعی و سنی ر.ک: دشتی، ۱۳۶۸ ش: ۱۴۹، ۱۵۶ و ۱۶۷).

۵-۸. پاسخ به شبهه عدم وجود طاووس در جزیره العرب

درباره دقت وصف، شبهه دیگری مطرح می‌شود و آن اینکه: درست است که عرب در توصیفات که بیان می‌داشت حیواناتی چون فیل، شتر و حتی خفاش و مورچه و ملخ را توصیف کرده ولی هیچ‌کدام از آنها طاووس را توصیف ننموده‌اند و در سرزمین‌های اعراب چنین حیوانی شناخته شده نبود و این در حالی است که امام (ع) با دقیق‌ترین وصف که به نهایت آن می‌رسد این حیوان را توصیف نموده است تا این که در خطبه‌اش می‌فرماید: «أحیلک علی معاينة» این حقیقت را از روی مشاهده می‌گویم و این عبارت حضرت به طاووس به حالت جفت‌گیری طاووس اشاره دارد و دیدن این چینی مستلزم آن است که طاووس مدت زیادی نزد شخص باشد و ماندن آن نزد شخص طول بکشد (اصلاً امام طاووس مشاهده نکرده است) (حسینی، ۱۳۶۷: ۱۷۸-۱۷۹)؛ در پاسخ باید گفت: اولاً دلیلی بر عدم وجود طاووس در جزیره العرب وجود

ندارد و در این حال عکس آن صادق است، چنان‌که نگارنده کتاب المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام به نقل از برترام توماس در بیان خصوصیات منطقه آبارعویفره شهر یمامه (که در تورات نیز نام‌برده شده) طلا و طاووس را از ویژگی‌های آن منطقه دانسته است. (جوادعلی، ۱۴۲۲ ق: ۱/۱۸۰) ثانیاً بر فرض پذیرش نبود طاووس در مدینه یا جزیره العرب، نمی‌توان منکر مشاهده طاووس در کوفه و مرکز حکومت شد چنان‌که ابن ابی الحدید شارح معتزلی مذهب این شبهه را چنین پاسخ می‌دهد: «امیر مؤمنان (ع) طاووس را در مدینه ندیده است بلکه در کوفه مشاهده نموده‌اند و این امر در زمانی بود (با وجود خلافت حضرت در کوفه) مالیات‌ها و ثمرات هر چیزی به‌سوی ایشان سرازیر بود و هدایای پادشاهان از آفاق جهان به‌سوی ایشان می‌آمد و دیدن جفت گیری بین طاووس نر و ماده بعید نیست»؛ (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷ ش: ۲/۴۸۴) ثالثاً در اشعار شعرای جاهلی نظیر رؤبه، وی ضمن وصف زنان، آنان را در زیبایی به طاووس تشبیه نموده، چنین می‌سراید:

كما استوی بیض النعام الأملاس مثل الدمی تصویرهنّ اطواس

آنان در سفیدی و صافی و درخشندگی، چون تخم‌شترمرغانند و مانند عروسکان در زیبایی چهره، چون طاووسند. (ابن سیده، ۱۴۲۱ ق: ۸/۵۹۷، به نقل از الرجزلدیوان رؤبه، ۶۶؛ زبیدی، ۱۹۹۴ ق: ۸/۳۴۶). بنابراین بطلان این شبهه نیز اثبات می‌گردد، ضمن این‌که با وجود علم خدادادی حضرت، توصیف طاووس حتی با وجود ندیدن آن امری محال نیست و این‌گونه ایرادها و شبهات بی‌اساس ناشی از جهل مشککین به مقام والای علمی آن حضرت می‌باشد.

نتیجه‌گیری

بر پایه مطالبی که در این مقاله عنوان شد، شبهه مشککین نسبت به خطبه‌های ۱۵۵، ۱۶۵ و ۱۸۵ به‌دلیل وجود دقت وصف در آنها بی‌اساس است زیرا:

- ۱- در قرآن کریم و روایات پیامبر (ص) موارد متعددی از دقت وصف و غرابت تصویر به‌کار رفته است و امام (ع) متأثر از آنان بوده است.
- ۲- ادب جاهلی با دقت وصف ملازمت دارد و اشعار شعرای جاهلی قبل از اسلام نظیر اشعار طرفه بن عبد، امروالقیس و... مملو از به‌کارگیری دقت وصف می‌باشد و از طرفی بین شیوه آنان در دقت وصف و شیوه حضرت در ایراد خطبه‌های مذکور مقارنت کلامی وجود دارد.
- ۳- دقت وصف منحصر به خطبه‌های یاد شده نیست و در خطبه‌های دیگر نهج‌البلاغه نظیر خطبه‌ی اول توصیفات دقیقی از آفرینش هستی، فرشتگان و... به چشم می‌خورد.
- ۴- صدور خطبه‌هایی که صرفاً با مشاهده حسّی ایرادشده است با وجود مقام علمی امیر مؤمنان (ع) که باب علم پیامبر (ص) و عالم به طرق آسمان‌ها است، محال نیست.

۵- عدم ذکر سند در خطبه‌های مذکور به دلایل؛ ۱- شیوه‌ی کتب ادبی در عدم ذکر سند و مرسوم بودن آن، ۲- وجه بلاغی کتاب، ۳- وثاقت سید رضی در نزد اندیشمندان و ۴- دلالت الفاظ و مفاهیم خطبه‌ها به صدور از معصوم (ع) به توثیق خطبه‌ها خدشه‌ای وارد نمی‌سازد.

از طرفی شبه عدم مشاهده طاووس توسط حضرت و نبودن آن در جزیره‌العرب، به دلایل؛ ۱- اشتهاار آبار عویفره در شهر یمامه به این پرند ۲- توصیفات شعرای عرب مانند رؤبه از این حیوان ۳- امکان مشاهده کردن طاووس توسط امام (ع) در مرکز خلافت (کوفه)، بی‌اساس است.

منابع

- قرآن کریم.
- شریف رضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴ ق)، نهج‌البلاغه، تحقیق و ضبط صبحی صالح، قم: نشر هجرت.
- شریف رضی، محمدبن حسین (۱۳۷۹ ش)، ترجمه نهج‌البلاغه، محمد دشتی، قم: مشهور.
- إبراهيم السيد، صبري (۱۴۰۶ ق) نهج‌البلاغه نسخه جديده محققه و موثقه، مقدمه عبدالسلام هارون، قطر، الدوحه: دارالثقافه.
- ابن ابی الحديد (۱۳۳۷ ش)، شرح نهج‌البلاغه، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، قم: كتابخانه آيت الله مرعشي نجفی (ره).
- ابن دريد، محمدبن حسن (۱۹۸۷ م)، جمهره اللغة، بيروت: دارالعلم الملايين.
- ابن سيده، علي بن اسماعيل (۱۴۲۱ ق)، المحكم و المحيط الأعظم، تحقيق عبدالحميد نداوي، بيروت: دارالكتب العلميه.
- الجندی، علي (۱۴۱۲ ق)، فی تاريخ الأدب الجاهلي، بی‌جا: دارالتراث.
- امين، أحمد (۱۹۶۹ م)، فجر الإسلام، بيروت: دارالكتاب العربی.
- بستانی، فؤاد افرام (۱۴۱۹ ق)، مجاني الحديث الأدب شیخو، بيروت: المطبعة الكاثوليتيه.
- بیومی، السباعی (۱۹۵۲ م)، تاريخ الأدب العربی فی العصر الجاهلي، قاهره: الأنجلوالمصريه.
- ترجمانی‌زاده، احمد (۱۳۸۸ ش)، شرح معلقات سبع. مقدمه و تعليقات جليل تجليل، تهران: سروش.
- ثعالبی، أبو منصور عبد الملك بن اسماعيل (۱۴۰۳ ق)، يتيمه الدهر فی محاسن أهل العصر، شرح و تحقيق مفيد محمد قميحه، بيروت: دارالكتب العلميه.
- جواد علی (۱۴۲۲ ق)، المفصل فی تاريخ العرب قبل الإسلام، چ چهارم. بی‌جا: دارالساقی.
- حاکم نیشابوری، أبي عبدالله (۱۴۱۱ ق)، المستدرک علی الصحیحین، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلميه.
- حسینی، سید عبدالزهر (۱۳۶۷ ق)، مصادر نهج‌البلاغه و أسانیده، بيروت: دارالزهراء.
- دشتی، محمد (۱۳۶۸ ش)، اسناد و مدارک نهج‌البلاغه، قم: نشر امام علی (ع).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، چ اول، بيروت: دارالقلم.
- زبیدی، محمد بن محمد (۱۹۹۴ م)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقيق علی شیري، بيروت: دارالفکر.
- زکی صفوت، أحمد (۱۹۳۲ م)، ترجمه علی بن أبي طالب، بی‌جا: مطبعه العلوم.
- سجادی، سیدجعفر (۱۳۷۳ ش)، فرهنگ معارف اسلامی، تهران: دانشگاه تهران.
- سید قطب، ابراهيم حسين شاذلي (۱۴۱۵ ق)، التصوير الفنی فی القرآن، بيروت: دارالشروق.
- ضيف، شوقي (۱۹۶۰ م)، الفن و مذاهبه فی النثر العربی، القاهرة: دارالمعارف.
- طبرانی، أبي القاسم سليمان بن احمد (۱۴۱۵ ق)، المعجم الكبير، چ اول، القاهرة: مكتبة ابن تيميه.
- طبرسی، أحمد بن علی (۱۴۰۳ ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تحقيق محمد باقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی.
- طبرسی، أحمد بن علی (۱۳۸۸ ش)، ترجمه احتجاج، بهراد جعفری، تهران: انتشارات اسلاميه.

- عبده، محمد (بی تا)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، القاهرة: مطبعة الإستقامة.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
- فولادوند محمد مهدی (۱۴۱۵ ق)، ترجمه قرآن (فولادوند)، ج اول، تهران: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- قدامه بن جعفر، أبوالفرج (۱۳۰۲ ق)، نقد الشعر، قسطنطنیه: مطبعة الجوائب
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ ش)، قاموس قرآن. ششم. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- قنای، عبدالعظیم علی (۱۳۶۸ ق)، الوصف فی الشعر العربی (الجزء الأول: الوصف فی العصر الجاهلی)، مصر: شرکت مصطفی البانی الحلبي.
- کاشف الغطاء، هادی (۱۹۹۶ م)، مستدرک نهج البلاغه، بیروت: دار الاندلس.
- مبارک، زکی (۱۳۶۷ ق)، عبقریه الشریف الرضی، بیروت: دارالجمیل.
- محمود العقاد، عباس (بی تا)، عبقریة الإمام علی (ع)، قاهره: دارالهلال.
- مصطفوی، حسن (۱۴۱۶ ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸ ش)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، جلد ۱۶، (سیری در نهج البلاغه)، تهران: صدرا.
- نحوی، عدنان علی رضا (۱۴۱۲ ق)، النیه فی الإسلام و بعدها الإسلامی. ج سوم، ریاض: دارالنحوی للنشر و التوزیع.